



نقد و معرفی کتاب

تحفة الازهار و زلال الانهار کتابی ارزشمند در باب انساب علویان

حسن انصاری قمی



کتاب تحفة الازهار از کتابهای شناخته شده در زمینه انساب است و محققین این زمینه سالها بود که در انتظار چاپ این کتاب بودند. در سالهای اخیر و به کوشش کتابخانه آیت الله مرعشی (ره) در قم مجموعه‌ای از کتابهای انساب علویان به چاپ رسیده که گرچه از لحاظ پایه تصحیح نمی‌توان این کوشش راچندان موفق دانست ولی به هر حال از لحاظ در اختیار قرار گرفتن بخشی مهم و ارزشمند از میراث نسب‌شناسی اسلامی می‌باید کوشش این کتابخانه را قدر نهاد. سالهای پیشتر از آن نیز در نجف و به کوشش تنی چند از علمای آن دیار مقدس، برخی کتابهای ارزشمند در نسب‌شناسی علویان

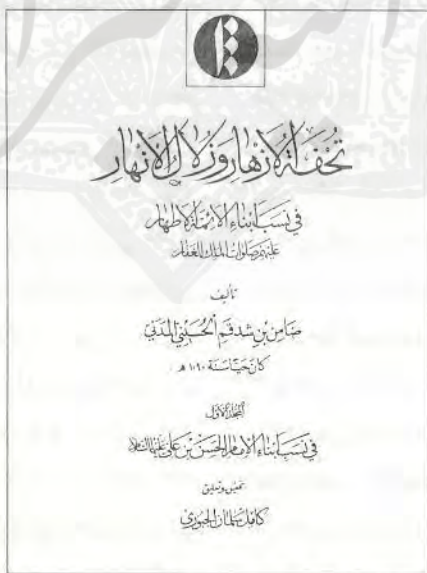
به چاپ رسیده بود، ولی بی‌شک می‌باید برای احیای آثار نسب‌شناسی که خود کمک بسیاری به تدوین تاریخ اسلام و بویژه تشیع و مراکز پراکندگی و گسترش اندیشه شیعی در طی قرون متمادی اسلامی خواهد کرد، اقدام نمود. خاصه که عالمان این زمینه بسیار نیستند و بویژه می‌باید از استاد علامه حضرت آیت الله سید محمد علی روضاتی - دام‌ظله - در این راستا بهره گرفت و از تلاش قریب چهل ساله ایشان در این زمینه یاری جست. به هر حال یکی از همین آثار ارزشمند در باب نسب‌شناسی علویان، کتاب مورد بحث است که تألیف سید ضامن بن شذقم بن زین الدین علی بن بدرالدین حسن بن نورالدین علی نقیب بن حسن بن علی بن شذقم [از

تبار عبیداله اعرج فرزند حسین اصغر و نواده امام زین العابدین علی بن الحسین (ع) می‌باشد.

خود وی که از علمای مذهب است، به خاندانی از عالمان و نسب‌شناسان و نقبای سادات وابسته است که آنان نیز در علم نسب صاحب آثار متعدد بوده‌اند. جدش زین الدین علی (د ۱۰۳۳) ق در مدینه منوره) صاحب دو کتاب در نسب است با این عناوین: ۱. زهرة المقول فی نسب ثانی فرعی الرسول (چاپ شده در نجف، ۱۳۸۰ ق/ ۱۹۶۱ م)؛ ۲. نخبة الزهرة الثمينة فی نسب اشرف المدينة (چاپ شده در پایان کتاب پیشگفته؛ نیز در ضمن مجموعه میراث اسلامی ایران، شماره ۸) بدرالدین حسن، نیای او نیز از عالمان نسب‌شناس است و کتاب مهم او زهر الریاض و زلال الحیاض در تاریخ و سیر از اهمیت بسیاری برخوردار است و این کتاب از منابع کتاب تحفة الازهار هم هست.

این کتاب گویا در ۳ مجلد است و هنوز به چاپ نرسیده است. نسخه‌ای از آن در کتابخانه موزه بریتانیاست (به شماره ADD 7349) و من عکسی از آن را برای کتابخانه مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلام تهیه کردم. عکس نسخه‌های خطی آستان قدس (شماره ۴۲۴۲) و کتابخانه بوهار - کلکته (به شماره ۲۶۹) در کتابخانه آیت الله مرعشی در قم موجود است. (فهرست نسخه‌های عکسی، ۲۳۰/۱ - ۲۳۲).

مؤلف ما که در سال ۱۰۹۰ ق. هنوز در قید حیات بوده، جدا از تحفة الازهار،



تحفة الازهار و زلال الانهار فی نسب ابناء الائمة الاطهار (ع)،
ضامن بن شذقم الحسینی المدنی،
تحقیق و تعلیق: کامل سلمان الجبوری،
تهران، آینه میراث، ۱۳۷۸ ش/ ۱۴۲۰ ق، ۳ ج.

دو کتاب دیگر نیز در علم انساب داشته است: یکی تحفة لب اللباب فی ذکر نسب السادة الانجاب که توسط کتابخانه آیت الله مرعشی در ۱۴۱۸ ق. به چاپ رسیده است. این کتاب خلاصه‌ای است از تحفة الازهار و مؤلف، تراجم اعلام سادات را به ترتیب حروف الفبا در این کتاب مختصر گرد آورده است (نک: تحفة لب اللباب، ص ۴۰). کتاب دیگر او زهرة الانوار فی نسب الاثمه الاطهار است که از آن نیز نسخه‌ای باقی مانده است (نک: الذریعة، ۷۲/۱۲). خوشبختانه طبع عمده کتاب تحفة الازهار بر اساس دست نوشته خود نویسنده فراهم آمده است و از این رو این تصحیح از اهمیت زیادی برخوردار است. محقق کتاب نیز از هیچ کوششی در جهت آماده سازی متن کتاب و تصحیح آن دریغ نکرده است و به هر حال به کوشش وی، ما هم اینک در علم انساب علویان، می توانیم از کتابی ارزشمند بهره ور شویم. چنانکه از مقدمه کتاب (۷۵/۱ - ۷۹) برمی آید مؤلف ظاهراً چندان در علم نساب دست نداشته ولی به این علم به دلیل سنت خانوادگی علاقه مند بوده است؛ از این رو کتاب خود را بیشتر بر اساس کتابهای اجدادش تنظیم نموده است. (نیز نک: تحفة لب اللباب، ص ۴۱) به این دلیل باید بگوئیم که بهتر بود محقق کتاب، پیش از تصحیح این متن، کتاب زهر الریاض بدرالدین حسن را تصحیح می کرد و سپس به سراغ تحفة الازهار می رفت، چرا که تحفة الازهار در واقع بر اساس زهر الریاض و دیگر کتابهای خاندان شدقمیان است. البته در این میان، خوشبختانه دو کتاب زهرة المقول و نخبة الزهرة پیش از این به چاپ رسیده و بهتر بود کتاب زهر الریاض نیز پیش از تحفة به چاپ می رسید. اما به هر حال اهمیت کتاب تحفة بیشتر در جامعیت و اشمال آن بر کتب انساب پیشینیان بویژه از خاندانش می باشد. از سوی دیگر مؤلف با کتب تاریخی و از جمله کتب تراجم احوال زیدیه آشنایی داشته و از این رو در تنظیم کتابش از آثار آنان نیز بهره برده است. مهمترین نکته در باب کتاب تحفة این است که کتاب ضامن بن شدقم در واقع ذیلی است بر شجره نامه ای که جدش علی نوشته بود و نیز دو کتاب زهرة المقول جدش علی و المستطابة فی نسب سادات طابة تألیف پدر جدش یعنی حسن بن شدقم (نک: ۷۴/۱ - ۷۹). وی ضمن اینکه این دو کتاب را در کتاب خود مورد استفاده قرار داده، از زهر الریاض جدش حسن و شجره نامه کهنه ای که در اصفهان دیده بود و نیز چند کتاب دیگر بهره برده است (۷۹/۱ - ۸۲). بنابراین مؤلف ما احتمالاً کتابهای کهن و کلاسیک انساب علویان را در اختیار نداشته (نک: ۱۴۷/۱) و در نقل آنها بر کتب اجدادش اعتماد کرده است. این احتمالاً به دلیل در اختیار

نداشتن این کتاب از سوی وی بوده است. از جمله منابع او شرحی به قصیده البسامه صادم الدین ابراهیم صنعان زیدی بوده است. می دانیم که البسامه که تاریخ امامان زیدی است، شروح متعددی داشته است (نک: ۸۲/۱) که می گوید نمی داند این شرح از آن کیست؟.

با تتبع در کتاب تحفة روشن می شود که گرچه مؤلف خود مطالب بسیاری از دانسته ها و مشاهدات خود را در این کتاب ثبت کرده و همچنین از منابع متعدد و از جمله برخی شجره نامه های سادات بهره گرفته، ولی بنیاد اصلی کتاب بر همان شجره جدش علی و سایر کتب خاندانش استوار بوده است. به هر حال می دانیم که کیان مهمترین منابع کتب انساب، شجره نامه هایی بوده است که مورد تأیید نسب شناسان قرار می گرفته است.

از ویژگیهای کتاب یکی این است که مؤلف در شرح احوال امامان (ع) و امام زادگان مشهور و حتی امامان زیدی، به شرح احوال ایشان پرداخته و در این راستا از منابع متعدد حدیثی و تاریخی چون الارشاد شیخ مفید و الحدائق الوردیة محلی بهره گرفته است؛ گرچه در این زمینه گویا بیشتر متکی به زهر الریاض بوده است. به هر حال بر این نکته تأیید می کنیم که اهمیت این کتاب در اینجاست که با توجه به مشجرات موجود در عصر خود توانسته است که در مورد انساب سادات قرون متأخر، اطلاعات قابل توجهی عرضه کرده و نسب آنان را به گذشتگان ایشان متصل کند. اساساً در باب انساب سادات، این یکی از مسائل اساسی است که بتوانیم صحت مشجرات آنان را از طریق علمی تأیید کنیم؛ چرا که جدا از یکی دو قرن اول اسلامی که انساب سادات به شکل صحیحی ضبط شده است، در دوره بعد صرفاً وجود مشجرات خانوادگی کارایی ندارد، چرا که بسیاری از زنجیره های انساب، افرادی ناشناخته و ثبت نشده هستند و به عبارت دیگر تأیید و یا تکذیب این مشجرات امکان پذیر نیست. تنها در این میان وجود مشجرات تأیید شده که عموماً محلی بوده و توسط نقبا و نسابه های شهرهای مختلف تأیید می شده است (نمونه نک: ۱۶۷/۲، قس ۱/۲ - ۲۰۲)، می تواند ما را با زنجیره های سادات آشنا کند. از این رو نسابه ها در کتابهای خود درصدد جمع آوری اطلاعات موجود در این شجره نامه های تأیید شده (نک: بطور نمونه، ۲۴۷/۱) و یا اطلاعات موجود در جریده های انساب شهرهای مختلف که توسط نقبا و زیر نظر آنان توسط نسابه های دانشمند تنظیم می شده است، بودند. البته در این میان، مابین نسابه ها در تأیید و یا عدم تأیید این شجره نامه ها در موارد زیادی اختلاف نظر پیش می آمده است؛ اما آنچه مسلم است این است که در دوره های متأخر به دلیل



الروض المعطار فی تشجیر تحفة الازهار

تقدیر و تصحیح
کامل سلمان الجبوری

بیشتراف
مرکز پژوهش‌های فلسطینی

الروض المعطار فی تشجیر تحفة الازهار
تقدیم و تشجیر: کامل سلمان الجبوری،
تهران، آینه میراث،
۱۳۷۸ ش/ ۱۴۲۰ ق، ج ۴.

بی توجهی به منصب نقابت سادات و ضبط اسامی سادات در جریده‌ها که در قرون اولیه معمول بوده است، در موارد زیادی حلقه‌های میانی زنجیره‌های سادات، ناشناخته هستند و از این رو نمی‌توان درباره بسیاری از شجره‌نامه‌های موجود اظهار نظر قطعی کرد. کتابهایی مانند تحفة الازهار به دلیل احتمال بر برخی از این سلاسل سادات حتی اگر در مواردی تأیید شده نیز نباشند، اهمیت بسیار می‌یابند، چرا که از محتوای شجره‌نامه‌های سادات در قرون متأخرتر خبر می‌دهند) برای نمونه‌ای از اختلاف در صحت شجره‌نامه‌ها از سوی نسابه‌ها: نک: (۱۵۷/۱).

به هر حال به همین دلیل اسامی ساداتی که در کتب تاریخ و تراجم و رجال حدیث و نیز در اسانید کتب حدیثی، نامشان مشروحاً و با ذکر اجدادشان آمده است، می‌تواند به عنوان یکی از اسناد مهم برای شناخت تبار علویان به کار آید و معمولاً نسابه‌ها از این گونه کتابها نیز برای منظور خود استفاده می‌کرده‌اند. طبعاً با توجه به محدودیت منابع کتب انساب، این کتابها نمی‌توانسته‌اند همه موارد را با استقصای کامل عرضه کنند و از این رو در کتابهایی مانند تحفة الازهار در بسیاری از موارد، عقب یک تن از علویان را تنها در نظام پدر و فرزندی تا نسل‌های متأخر ذکر می‌کند، بی آنکه در این موارد به ذکر برادران و بنی اعمام بپردازند، چرا که مصدر نقل او یک شجره‌نامه بوده که طبعاً به ذکر آبا و اجداد یکی از علویان پرداخته بود و نیازی به ذکر اعمام و بنی اعمام او نبوده است (نمونه، ۱۶۲/۱).

کتاب تحفة الازهار مانند هر کتاب نسب دیگری، بخشی مهم و ارزشمند از تاریخ اسلامی ما را روشن می‌کند، چرا که علویان و طالبیان چنانکه می‌دانیم در سرنوشت سیاسی و اجتماعی و دینی و علمی مسلمانان نقش مهم و بسزایی داشته‌اند و از این رو کتابهای نسب را می‌توان به عنوان نمونه‌ای از تاریخ‌نگاری اسلامی به شمار آورد و بدان اهمیت داد. از اطلاعات مهم این کتاب، اطلاعات بسیاری است که در باب علمای شیعه هند و مدینه در قرون دهم و یازدهم قمری بدست می‌دهد که حائز اهمیت بسیار است.

نیز در باب روابط فرهنگی میان علمای مدینه و علمای دوره صفویه ایران اطلاعات خوبی ارائه می‌دهد؛ بخصوص به مناسبت

بحث مفصلی که در رابطه با خاندان شدقم به میان آورده است، ارتباط سه‌گانه‌ای میان علمای هند، مدینه و ایران عصر صفوی ایجاد کرده است. از دیگر اطلاعات بسیار ارزشمند این کتاب این موارد است: اطلاعات بسیار در باب دوره صفویه و عالمان و سادات و شیخ الاسلامهای صفوی (مانند ۱۵۵/۱، ۱۸۹، ۲۹۳، ...). اطلاعات قابل توجه درباره مشعشعیان؛ امامان زیدی یمن؛ امرای مکه و مدینه؛ دولت عثمانی؛ اداره مغرب و سلاطین نظام شاهی دکن و...

متأسفانه محقق کتاب در مورد امامان زیدی، زحمت مراجعه به کتب تاریخی آنان بویژه شروح قصیده سامه را به خود نداده و از این رو بسیاری از افتادگیهای کتاب، استدراک نشده است؛ این مسئله در مورد منابع دیگر کتاب و نیز افتادگیهای بسیار کتاب صدق می‌کند (مانند ۹۲/۳ و بسیاری موارد دیگر).

تحفة الازهار البته به همه علویان نپرداخته بلکه همت خود را در نسب‌شناسی نسل امامین هم‌امین حسنین (ع) قرار داده و در میان نسل امام حسین (ع) نیز تکیه خود را بر فرزندان و فرزندزادگان امامان دوازده‌گانه (ع) قرار داده است. برخی اشتباهات که در چاپ کتاب رفته، از این قرار است: تبدیل جبل به جبل (نمونه در ۱۶۷/۱)؛ اسدالدین شیرکوه به سبرکون (۱/ ۱۷۳)؛ اشتباه در باب ابوالحسین هارونی (۱۷۸/۱)؛ اشتباه در ضبط سال ۴۹۲ در حالی که از ناصر بن محمدی و عصر خلیفه الناصر عباسی سخن گفته می‌شود (۱۷۹/۱)؛ مسبحی به مسیحی (۱/ ۲۴۲)؛ ابن زولاق صاحب تاریخ مصر به زولاق (۲۴۳/۱)؛ مانکدیم به مایکدیم (۳۱۲/۱)؛ وزیر مهلبی به محمدی (۱۴۱/۳)؛ و موارد دیگر؛ همچنین عدم شناخت کتاب اخبار الدول المنقطعة ابن ظافر (۲۴۲/۱)؛ متأسفانه اشعار کتب که بسیار هم هست، به هیچ روی بصورت انتقادی تصحیح نشده است. به هر حال کوشش مصحح محترم را در این کتاب ارجمند، قدر می‌گذاریم و توفیقش را از خداوند مَنان خواستاریم، ولله الحمد.

